

**یکشنبه 22 مهر 1397 - 4 صفر 1440 - 14 اکتبر 2018**

تصرف شهر بغداد پایتخت خلفای عباسی توسط "هلاکوخان مغول" (656 ق)



تصرف شهر بغداد پایتخت خلفای عباسی توسط "هلاکوخان مغول" (656 ق)

پس از حمله و تسخیر شهر بغداد، پایتخت خلافت عباسیان، در چهارم صفر سال 656 ق، خلیفه عباسی، المستعصم بالله، با سه پسر خود و سه هزار تن از سادات، بزرگان، فضات و اعیان بغداد از شهر خارج شد و به خدمت هلاکو رسید و تسلیم وی گردید. هلاکو امر کرد که مردم بغداد را به بهانه و سرشماری به خارج از شهر کوچ دهند. سپس دستور قتل همگی آنان را صادر کرد و خود در نهم صفر وارد بغداد شد و آن شهر تاریخی را به بگما بُرد.

رحلت استاد بزرگ اخلاق میرزا "محمد علی شاه آبادی" (1369 ق)

آقا میرزا محمد علی شاه آبادی فرزند شیخ محمدجواد اصفهانی در سال 1292 قمری در اصفهان متولد گردید و مقدمات علوم را از محضر پدر بزرگوارش که خود از فقها و شاگردان صاحب جواهر بود، فرا گرفت. سپس از محضر برادرش آقا شیخ احمد بیدآبادی و میرزا محمدهاشم خوانساری بهره‌مند شد. سپس در تهران، فقه و اصول را از محضر میرزا حسن آشتیانی و عرفان را از محضر میرزاهاشم گیلانی و فلسفه را از میرزا ابوالحسن جلوه فرا گرفت و برای تکمیل مراتب علمی به دارالعلم نجف اشرف رهسپار گردید. آیت الله شاه آبادی سپس به سامرا رفته و در درس آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و از افادات آن بزرگوار بهره‌ها برد. ایشان بنا به اصرار والده و محترم خود به ایران بازگشت و در تهران سکونت جست و در مسجد سراج الملک (شاه آباد سابق) به اقامه و نماز و ترویج و تبیین معارف اسلام پرداخت. آیت الله شاه آبادی آن گاه در سال 1347 قمری به حوزه و علمیه و قم رفت و به تربیت طلاب علوم دینی پرداخت و شخصیت و های بزرگوار چون حضرات آیات عظام: امام خمینی(ره)، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی، محمدرضا مروج طبسی و... را به جهان تشیع عرضه نمود. بعد از 7 سال مجدداً به تهران بازگشت و در مسجد امین و الدوله و بازار، امامت جماعت را به عهده گرفت. از این استاد فرزانه و عرفان، کتاب و های فراوانی بر جای مانده که منازل السالکین، رساله و عقل و جهل، حاشیه و کفایة الاصول و... از آن جمله‌اند. در موقعیتی که رضاخان پهلوی، تمام مساجد و منابر را تعطیل نموده بود، آیت الله شاه آبادی، هیچ گاه نماز و سخنرانی و اش قطع نشد. زمانی هم که رضاخان، پوشیدن لباس روحانیت را ممنوع کرده بود، او فرزندان را به روحانی شدن و پوشیدن لباس مقدس روحانیت تشویق کرد و به برکت همین تلاش مُخلصانه، هفت تن از فرزندان ایشان، روحانی شدند. وفات این عارف بزرگ برابر با 3 آذر 1328 ش در 77 سالگی روی داد و پس از تشییع باشکوه در رواق ابوالفتح رازی در حرم حضرت عبدالعظیم(ع) مدفون گردید. حضرت امام خمینی(ره) درباره استاد می‌فرمود: "من در طول عمرم، روحی به لطافت روح و آیت الله شاه آبادی ندیدم."

تاج گذاری "کوروش هخامنشی" و آغاز سلسله پادشاهی هخامنشیان در ایران (539م)

پس از قدرت گرفتن کوروش هخامنشی و یورش به سرزمین بابل و تصرف آن، وی در چهاردهم اکتبر سال 539 قبل از میلاد در پرستش‌گاه بابل تاج گذاری کرد. از این زمان بود که پادشاهی سلسله هخامنشیان آغاز شد و حکومت شاهنشاهی در ایران بنیان گذاری گردید. کوروش در ابتدا، شوش را به پایتختی خود برگزید و سپس سالیانی به جنگ با اقوام گوناگون پرداخت تا اینکه در یکی از این جنگ‌ها زخمی شد و در سال 529 قبل از میلاد، پس از ده سال سلطنت درگذشت. دوران حکومت سلسله هخامنشیان تا سال 330 قبل از میلاد به مدت 200 سال به طول انجامید و سرانجام به دست اسکندر مقدونی منقرض شد.

تولد "ویلیام پن" سیاست‌مدار و فیلسوف برجسته انگلیسی (1644م)

ویلیام پن، فیلسوف برجسته انگلیسی، در چهاردهم اکتبر 1644م در لندن به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات متوسطه، وارد دانشگاه آکسفورد گردید اما تحصیلات خود را نیمه تمام گذاشت و پس از چندی با اعضای فرقه کوئکر آشنا شد. این عده که انجمن دوستان نامیده می‌شدند، طرفدار مقاومت جدی در برابر هرگونه بدی بودند. پن در سال 1681م، نقشه ایجاد یک مدینه فاضله مبتنی بر وحدت و برادری را طرح و ریزی نمود تا نمونه و سرمشقی برای همه بشریت باشد. از این رو، از طرف پادشاه وقت انگلستان، قطعه زمینی در امریکا برای اجرای این طرح که آن را آزمایش مقدس نامیده بود در اختیار ویلیام پن قرار گرفت. در این مستعمره که به نام پن، پنسیلوانیا به معنی جنگل پن نامیده می‌شد، دولتی طرح و اجرا گردید که هرچند پن رهبر آن بود، ولی قدرت در اختیار مردم قرار داشت. آزادی بیان و تسامح دینی، ساخت دارالتأدیب به جای زندان، قرار دادن مجازات اعدام فقط برای جنایت و خیانت، عدم وجود طبقات اجتماعی و ارتش، حاکمیت حکومت مشترک المنافع بر پایه‌های دوستی، عدالت و صلح، از جمله ویژگی‌های این جامعه جدید بود. میل به عدالت که با حس ترحم در پن آمیخته بود، سبب شد که با بومیان

آغاز به کار "کنگره تاریخی وین" در مورد اروپای پس از ناپلئون (1814م)

پس از استعفا و تبعید ناپلئون بُناپارت در آوریل 1814م، کنگره تاریخی وین از روز چهاردهم اکتبر 1814م در وین پایتخت اتریش آغاز به کار کرد تا درباره متصرفات فرانسه طی جنگ‌های ناپلئون بُناپارت تصمیم‌گیری کند. در میانه کار کنگره وین، ناپلئون با فرار از تبعیدگاه خود در اواخر فوریه 1815م، بار دیگر در دوره کوتاهی معروف به حکومت صد روزه، قدرت را در دست گرفت و خود را آماده حمله به دشمنانش نمود. هرچند که این مسئله، روند فعالیت‌های کنگره وین را مختل نمود، اما با شکست دوباره ناپلئون از اتحاد اروپایی، کنگره وین کار خود را دنبال کرد. مسائلی که کنگره با آنها روبرو بود، پیچیدگی و دشواری فراوان داشت چرا که انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئون، ساختار اروپا را به کلی درهم ریخته بود. ولی آنچه بیشتر مورد توجه کنگره بود، برقرار کردن تعادل قوا برای حفظ صلح در این قاره بود. در این میان، رقابت‌ها و دسیسه‌ها و چینی‌های کشورهای شرکت‌کننده در کنگره، از پیشرفت اساسی کار، جلوگیری می‌کرد و هر یک از آنها خواهان سهم بیشتری بودند. همچنین بیشتر نمایندگان شرکت‌کننده در کنگره مایل بودند که تعادل قوا در اروپا به دوران قبل از انقلاب کبیر فرانسه برگردد و سلاطین و فرمان‌روایانی را در کشورهای مختلف روی کار آورند که قبل از انقلاب فرانسه بوده‌اند. کشورهای فاتح نیز هر یک، باجی در کنگره وین گرفتند و از کلاه امپراتوری متلاشی شده ناپلئون، نمدی به دست آوردند. بدین ترتیب کنگره وین نوعی پیروزی دولت‌های بزرگ و پیشرفت رژیم‌های سلطنتی علیه جمهوریت در اروپا بود. کنگره وین سرانجام در نهم ژوئن 1815م به کار خود پایان داد.

سرخ پوست‌ها و ارتباط یابد و با آنان قرارداد دوستی منعقد کند. ویلیام پن، منطقه تحت حکومت خود را اگرچه هدیه‌ای از پادشاه انگلستان بود، اما از صاحبان سرخ پوست آن خریداری کرد و آن را محلی برای سکونت ستمدیدگان سراسر جهان قرار داد. پن، دولت مستعمره خود را مانند ساعتی می‌دانست که مردمی که وی رهبر آنان بود، حرکت و کار آن را، میزان می‌کردند. در این سرزمین، مردم با جمع شدن به دور هم حق داشتند که قوانین تازه وضع کنند و قوانین قدیم را اصلاح یا لغو سازند. در حقیقت، پن، نطفه سازمانی چون ملل متحد را در آن‌جا گذاشت و خود رهبری اخلاقی و سیاسی آن را در دست گرفت. ویلیام پن سرانجام در 30 ژوئیه 1718م در هفتاد و چهار سالگی درگذشت.